



تصمیمات مدیران در موازنه بین چسبندگی هزینه‌ها و هموارسازی سود

امید فرجی^۱

محمد کاظم مصطفی پور^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۱

چکیده

تصمیمات و انگیزه مدیران درباره تعدیل منابع و کاهش نوسان سود شرکت می‌تواند بایکدیگر مرتبط باشند. مدیران با انگیزه هموارسازی سود در هنگام کاهش فروش شرکت، اقدام به تعدیل بیشتر منابع نموده و در نتیجه میزان چسبندگی هزینه‌ها کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر مدیران با تعدیل کمتر منابع در هنگام کاهش فروش علاوه بر افزایش در چسبندگی هزینه‌ها باعث نوسان در سود شرکت می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش بررسی موازنه بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود توسط مدیران می‌باشد. نمونه آماری شامل ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۵ بوده که با روش حذف سیستماتیک گردآوری شده است. روش پژوهش همبستگی بوده و نتایج حاصل از رگرسیون با داده‌های ترکیبی به روش خطای استاندارد مقاوم بیانگر تاثیر منفی چسبندگی هزینه بر هموارسازی سود می‌باشد. همچنین هموارسازی سود باعث کاهش میزان چسبندگی هزینه می‌گردد. در واقع پیامدهای تصمیمات مدیران برای حفظ یا تعدیل منابع و همچنین گزارشگری سود در تضاد با یکدیگر می‌باشند و در نتیجه مدیران باید با برقراری ارتباط منطقی بین هزینه‌های تعدیل منابع و روند سودهای گزارش شده، تصمیم مناسب و معقول اتخاذ نمایند.

واژه‌های کلیدی: چسبندگی هزینه‌ها، هموارسازی سود و تصمیمات مدیریت.

۱- استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول). omid_faraji@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی طلوع مهر قم، قم، ایران.

۱- مقدمه

یکی از رفتارهای هزینه که در پژوهش‌های پیشین به صورت مستدل و مستند تشریح شده است چسبندگی هزینه می‌باشد (اندرسون و همکاران^۱، ۲۰۰۳، اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷، نمازی و دوانی پور، ۱۳۸۹). مطالعات صورت گرفته در سالهای اخیر نشان‌دهنده رفتار نامتقارن هزینه نسبت به تغییرات سطح فروش می‌باشد، به این معنا که میزان افزایش در هزینه‌ها نسبت به افزایش در سطح فعالیت و فروش شرکت‌ها بیش از میزان کاهش هزینه‌ها در زمانی است که سطح فعالیت‌ها و فروش کاهش می‌یابد که به این رفتار چسبندگی هزینه می‌گویند (اندرسون و همکاران ۲۰۰۳). بر اساس نظریه انتخاب آگاهانه، مدیران با ارزیابی هزینه‌های حفظ و تعدیل منابع در دوره‌های کاهش فروش اقدام به کاهش یا حفظ و نگهداری منابع می‌کنند، همچنین در صورتی که مدیران نسبت به تقاضای آتی نگاه خوش‌بینانه و مثبت داشته باشند منابع مازاد را حفظ خواهند کرد (یاسوکاتا و کجی وارا^۲، ۲۰۱۱). در مقابل تئوری نمایندگی از دیدگاه ایجاد امپراطوری و همچنین دستیابی به سود هدف به بیان چسبندگی هزینه می‌پردازد. جنسن^۳ (۱۹۸۶) بیان می‌کند به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی و عدم امکان نظارت مناسب بر عملکرد مدیران، آنها برای افزایش مطلوبیت شخصی مانند قدرت، پاداش و... انگیزه دارند تا با نگهداری منابع مازاد، اندازه شرکت بزرگتر از اندازه مطلوب آن شود. از طرفی مدیرانی با انگیزه دستیابی به سود هدف در صورت کاهش فروش با سرعت بیشتری منابع مازاد را کاهش خواهند داد که منجر به کاهش چسبندگی هزینه و از دست رفتن فرصت‌های رشد آتی و در نتیجه اخلاص در روند گزارش سود و افزایش نوسان سود خواهد شد (چن و همکاران^۴، ۲۰۱۲).

از طرفی دیگر سود حسابداری یکی از مهمترین خروجی‌های سیستم حسابداری است که مدیریت می‌تواند با اعمال اختیار در انتخاب شیوه‌های حسابداری، آن را به سمت اهداف خاص سوق دهد. در ادبیات حسابداری از این موضوع به عنوان مدیریت

سود یاد می‌شود که یکی از مهمترین اشکال آن، هموارسازی سود است. مدیران برای افزایش منفعت شخصی مثل دستیابی به پاداش مستمر و باثبات، حفظ موقعیت شغلی و ... تمایل به کاهش نوسانات سود دارند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴) که از آن با عنوان هموارسازی سود یاد می‌شود. "هموارسازی سود اقدامی آگاهانه و عالمانه جهت کاهش نوسان های سود گزارش شده در طول دوره‌های متوالی در حول سطحی از سود که سطح نرمال سود شرکت نامیده می‌شود است" (ثقفی و محمدرضا خانی، ۱۳۹۴). هموارسازی سود شکل بلندمدت مدیریت سود است و مدیریت در بلند مدت سعی در ایجاد ثبات در روند سود گزارش شده را دارد، از طرفی اتخاذ تصمیمات نادرست در مورد حفظ و یا نگهداری منابع (در حوزه رفتار نامتقارن هزینه‌ها) و در نتیجه هزینه‌هایی که به دنبال دارد موجب ایجاد اختلال یا نوسان در روند سودهای گزارش شده می‌شود و از طرف دیگر همچنین یکی از روش‌های هموارسازی سود تعدیل منابع و کاهش هزینه‌ها می‌باشد. علاوه بر این هرتلیب و لوی^۵ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در هموارکردن سود با شدت بیشتری مانع چسبندگی هزینه می‌شود. بنابراین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود نتیجه انگیزه‌ها و اختیارات مدیران می‌باشد. با توجه به انگیزه‌های مدیران، تصمیمات آنها می‌تواند منجر به کاهش یا افزایش رفتار نامتقارن هزینه گردد (کاما و ویس^۶، ۲۰۱۳). بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی انگیزه و اختیارات مدیران است که پیامد آن می‌تواند رفتار نامتقارن هزینه و در مقابل تاثیر بر میزان نوسان سود می‌باشد. در واقع در این پژوهش به موازنه بین چسبندگی هزینه‌ها و هموارسازی سود که تحت تاثیر انگیزه و اختیارات مدیران است، پرداخته شده است.

این پژوهش برای اولین بار به ارتباط دو جریان تحقیقاتی چسبندگی هزینه و هموارسازی سود که مبتنی بر رفتار و اختیارات مدیریت هستند می‌پردازد. در پژوهش‌های پیشین اثرگذاری چسبندگی هزینه بر مدیریت سود از دیدگاه تئوری نمایندگی بحث شده

واقع چسبندگی هزینه زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران در ارزیابی‌های خود هزینه‌های تعدیل منابع را بیش از هزینه‌های نگهداری برآورد می‌کنند. علاوه بر این انتظارات و نگاه مدیران به تقاضای آینده می‌تواند در رفتار هزینه‌ها تاثیرگذار باشد. در صورتی که افزایش تقاضا و فروش به طور متوالی اتفاق بیفتد منجر به افزایش خوش‌بینی مدیران نسبت به تقاضای آتی خواهد شد و در چنین شرایطی با کاهش فروش مدیران کمتر اقدام به تعدیل منابع می‌کنند که درجه بالاتر چسبندگی هزینه‌ها را به دنبال دارد و هرچه خوش‌بینی مدیران افزایش یابد چسبندگی هزینه افزایش می‌یابد (بانکر و بیزالو، ۲۰۱۴). ایزدپور و نیکومرام (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان می‌دهند با تورم زدایی متغیرها رفتار هزینه‌ها تغییر کرده و در سال‌های رکود هزینه‌ها رفتار ضدچسبندگی دارند یعنی افزایش نسبت هزینه‌ها در صورت افزایش تقاضا بیش از کاهش نسبت هزینه‌ها در صورت کاهش تقاضا است، ولی در حالت رونق اقتصادی رفتار هزینه‌ها نامتقارن می‌باشد.

نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهند که مدیران با توجه ملاحظات و منافع شخصی اقدام به حفظ و یا نگهداری منابع می‌کنند. در واقع به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی و عدم امکان نظارت مناسب بر عملکرد مدیران، آنها برای افزایش مطلوبیت شخصی مانند قدرت، پاداش و... انگیزه دارند تا با نگهداری منابع مازاد، اندازه شرکت بزرگتر از اندازه مطلوب آن شود (جنسن ۱۹۸۶). چن و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهند که مدیران برای ایجاد امپراطوری خود تصمیماتی نسبت به منابع اتخاذ می‌کنند که منجر به افزایش چسبندگی هزینه‌ها می‌گردد. همچنین در صورتی که مدیران وجه نقد آزاد بیشتری در اختیار داشته باشند در زمان کاهش فروش، هزینه‌هایی انجام می‌دهند که در صورت افزایش فروش این هزینه‌ها وجود ندارد و در نتیجه رفتار نامتقارن هزینه افزایش می‌یابد (آقایی و حسنی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، چن و همکاران^۷ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند حتی در صورتی که مدیران به تقاضای آینده

است، همچنین این موضوع از دیدگاه ویژگی‌های شخصی مدیران مثل بیش‌اعتمادی مورد بحث قرار گرفته است، ولی در این پژوهش رابطه رفتار هزینه و هموارسازی سود از دیدگاه مدیران و اولویت آنان در دستکاری سود و یا حفظ و نگهداری و تعدیل منابع بلااستفاده مورد بحث قرار گرفت. هدف این پژوهش شناخت بیشتر چگونگی عملکرد مدیران در رابطه با نگهداری و یا تعدیل منابع و همچنین هموارسازی سود و تعیین نوع ارتباط دو متغیر مورد بحث بوده است. در واقع هدف این پژوهش تعیین اولویت مدیران در حفظ و به کارگیری منابع در مقابل دستکاری سود و یا برقراری تعادل بین دو متغیر مذکور می‌باشد، از این رو به بررسی رفتار آگاهانه مدیران در به کارگیری منابع و مقایسه آن با رفتار دستکاری مصنوعی سود از طریق هموارسازی می‌پردازد. در بخش‌های بعدی مبانی نظری و فرضیات پژوهش، روش پژوهش و نتایج آماری بحث شده است. سپس نتیجه‌گیری پژوهش ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و تدوین فرضیه‌های پژوهش

شواهد و مطالعات پیشین نشان می‌دهد هزینه‌ها در واکنش به افزایش و کاهش فروش واکنش متقارنی ندارند و شدت کاهش هزینه‌ها در مواجهه با کاهش فروش کمتر از شدت افزایش هزینه‌ها در زمان افزایش فروش می‌باشد. اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در واکنش به ۱٪ رشد فروش ۰٫۵۵٪ افزایش و در همزمان با ۱٪ کاهش فروش ۰٫۳۵٪ کاهش خواهد داشت. همچنین آنها بیان می‌کنند این رفتار هزینه ناشی از تصمیم آگاهانه مدیران در حفظ یا واگذاری منابع در زمان افزایش یا کاهش فروش است. عوامل متعدد مالی و غیرمالی مثل هزینه‌های به کارگیری مجدد منابع، هزینه‌های فروش دارایی‌ها، افت روحیه کارکنان باقیمانده و ... می‌تواند باعث خودداری مدیران در تعدیل منابع باشد. در مقابل نگهداری منابع مازاد نیز هزینه‌های مالی مثل دستمزد، اجاره، هزینه‌های انرژی و ... را به دنبال دارد، (اندسون و همکاران ۲۰۰۷).

خوش‌بین باشند در صورت داشتن انگیزه برای دستیابی به سود هدف منابع را تعدیل خواهند کرد که منجر به از دست رفتن فرصت‌های رشد آتی و در نتیجه اخلال در روند گزارش سود خواهد شد.

علاوه بر این، مدیران به دلایل متعددی مثل افزایش مطلوبیت شخصی یا منافع شرکت از اختیارات خود برای تغییر رقم سود استفاده می‌کنند. ولی ویس^۸ (۲۰۱۰) بیان می‌کند که دقت تحلیل و پیش‌بینی سود شرکت‌هایی با چسبندگی هزینه ۲۵ درصد کمتر از شرکت‌هایی است که رفتار هزینه‌ها در آنها چسبنده نبوده است و رفتار هزینه تاثیر بسزایی در دقت پیش‌بینی سود دارد. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از این بود که تحلیل‌گران برای تحلیل و پیش‌بینی سود، شرکت‌هایی را که دارای رفتار هزینه نامتقارن‌تری هستند را کمتر انتخاب می‌کنند و نیز واکنش بازار به سود غیرمنتظره شرکت‌هایی که چسبندگی هزینه بیشتری دارند کمتر است زیرا سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی خود از سود شرکت‌هایی که هزینه‌های چسبنده‌تری دارند اطمینان کمتری دارند. علاوه بر این مدیران در دوره‌های کاهش فروش هزینه‌های تعدیل منابع را برای اخذ تصمیم در مورد حفظ یا واگذاری آن بررسی می‌کنند (اندرسون و همکاران ۲۰۰۳)، حفظ منابع اضافی در دوره کاهش فروش منجر به تحمل هزینه‌های بیشتر و در نتیجه کاهش سودآوری در کوتاه‌مدت می‌شود (نمازی و دوانی‌پور، ۱۳۸۹) و همچنین عدم تطابق صحیح منابع غیر ضروری در دوره‌های کاهش درآمد می‌تواند سودآوری را بیشتر کاهش دهد در نتیجه نوسان سود در دوره کاهش فروش افزایش خواهد داشت. همچنین تصمیمات مدیران راجع به تعدیل منابع به طور نامتقارن موجب می‌شود تا سود شرکت دچار نوساناتی غیرعادی گردد که مانع از هموارسازی سود می‌شود (هرتلیب و لوی، ۲۰۱۷). بنابراین فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند:

رفتار نامتقارن هزینه مانع هموارسازی سود می‌شود.

دستورالعمل‌ها و رویه‌های حسابداری تا حدودی به مدیران در تهیه و گزارش صورت‌های مالی اختیار و

آزادی عمل می‌دهد و در نتیجه مدیران به دلایل متعددی مثل افزایش مطلوبیت شخصی یا منافع شرکت از اختیارات خود برای تغییر صورت‌های مالی و رقم سود استفاده می‌کنند. دفاند و پارک^۹ (۱۹۹۷) در پژوهشی خود با عنوان رابطه‌ی هموارسازی سود و پیش‌بینی سودهای آتی بیان می‌کنند علاوه بر اینکه عملکرد جاری می‌تواند انگیزه‌ای برای هموارسازی سود ایجاد کند انتظارات از عملکرد آتی نیز می‌تواند مدیران را مجاب به هموارسازی کند. در صورتی که عملکرد دوره جاری نامطلوب باشد و انتظار رود تا عملکرد دوره بعد خوب باشد انگیزه برای افزایش سود جاری برای کاهش خطر برکناری افزایش می‌یابد.

از آنجا که هزینه‌ها از عوامل با اهمیت در تعیین سود می‌باشند دستکاری سود حسابداری می‌تواند در رفتار هزینه تاثیرگذار باشد (بانکر و بیزالو^{۱۰}، ۲۰۱۴). همچنین مدیریت سود با انگیزه پرهیز از زیان و یا سود هدف موجب کاهش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۶)، در واقع این مدیران تمایل بیشتری به کاهش منابع و رسیدن به سود مورد نظر در زمان‌های کاهش فروش دارند. کاما و ویس (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود عنوان می‌کنند که انگیزه رسیدن به سود هدف در کوتاه‌مدت می‌تواند منجر به تعدیل منابع شود. دایرنیک و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۲) هم در پژوهش خود شواهدی ارائه می‌کنند که مدیران با انگیزه سود هدف به کاهش هزینه‌های نیروی کار روی می‌آورند. نتایج پژوهش لی (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که قصد عرضه خصوصی سهام خود به سهامداران اندکی دارند، دارای انگیزه دستکاری سود هستند. این شرکت‌ها در هنگام کاهش سود عملیاتی، هزینه‌ها را بیشتر کاهش داده تا سود را دستکاری نموده و در نتیجه موجب کاهش میزان چسبندگی هزینه‌ها می‌شوند. رفتار فرصت‌طلبانه یا حتی کارای مدیران در هموارسازی سود باعث می‌شود تا شدت چسبندگی هزینه‌ها کاهش یابد و بالعکس. بنابراین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود در نتیجه انگیزه‌ها و اختیارات مدیران می‌باشد (هرتلیب و لوی، ۲۰۱۷). در نتیجه هموارسازی سود می‌تواند مانعی در

۶) جهت تغییرات در درآمدها و جهت تغییرات در هزینه‌ها با یکدیگر هم راستا باشد (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ مرتضوی نصیری و همکاران، ۱۳۹۷).
در نهایت نمونه‌ای شامل ۹۹ شرکت و ۵۲۴ سال-شرکت برای آزمون فرضیه اول و ۶۹۳ سال-شرکت برای آزمون فرضیه دوم انتخاب شده‌اند. دلیل تغییر نمونه برای آزمون فرضیه اول و دوم بدلیل مفروضات متفاوت در انتخاب نمونه برای سنجش متغیر چسبندگی هزینه‌ها در مدل ویس و همکاران (۲۰۱۰) می باشد که در مدل دوم حتما می‌بایست توجه ویژه ای به معیار ۶ در انتخاب نمونه داشت. همچنین داده‌های مورد استفاده در پژوهش، داده‌های آرشیوی می‌باشد که از سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال و به صورت دستی از صورت‌های مالی استخراج و بوسیله نرم افزار اکسل و ایویوز آماده‌ی انجام تجزیه و تحلیل نهایی شده‌اند.

۳-۲- متغیرها و مدل‌های پژوهش

در فرضیه اول هموارسازی سود متغیر وابسته و چسبندگی هزینه متغیر مستقل می‌باشد، ولی در فرضیه دوم جای متغیر مستقل و وابسته عوض شده و تاثیر هموارسازی سود بر چسبندگی هزینه مورد آزمون قرار می‌گیرد. باید به این مطلب توجه داشت که روش سنجش چسبندگی هزینه در صورتی که متغیر وابسته باشد مدل اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) می باشد که متغیر مستقل هموارسازی سود وارد مدل می شود. اما در صورتی که متغیر چسبندگی هزینه متغیر مستقل باشد چسبندگی هزینه به صورت یک متغیر محاسباتی از طریق مدل ویس و همکاران (۲۰۱۰) می باشد و ساختار مدل سازی برای فرضیه اول با فرضیه دوم متفاوت است و لذا عملاً بحث معادلات همزمان برای بررسی این فرضیه های دو طرفه مطرح نخواهد بود (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴).

۳-۲-۱- متغیرها و مدل آزمون فرضیه اول: برای آزمون فرضیه اول و بررسی رابطه رفتار نامتقارن هزینه و هموارسازی سود از مدل زیر با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت استفاده شده است.

مقابل رفتار نامتقارن هزینه باشد و بعبارتی دیگر رابطه بین چسبندگی هزینه‌ها و هموارسازی سود می‌تواند یک رابطه دوطرفه باشد و نمی توان صرفاً یک طرف را بر طرف دیگر موثر دانست. بنابراین فرضیه دوم به شکل زیر تدوین گردیده است.
هموارسازی سود سبب کاهش میزان چسبندگی هزینه می‌شود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک پژوهش از پارادایم اثبات گرایی بوده که با رویکرد قیاسی-استقرایی انجام شده است. از منظر فرایند اجرا و نوع داده ها در دسته پژوهش های کمی قرار می‌گیرد که شامل گردآوری سیستماتیک داده های موجود و تحلیل آماری آنها می باشد. همچنین پژوهش حاضر از نظر روش تحقیق در دسته پژوهش‌های همبستگی چند متغیری است که در آن از داده‌های گذشته‌نگر و از روش تحلیل رگرسیون و داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ می باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک و با اعمال محدودیت‌های زیر شرکت‌های نمونه از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس انتخاب شده است:

- ۱) بانک‌ها، موسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و لیزینگ‌ها از نمونه مورد نظر حذف شده است.
- ۲) شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۳) داده‌های مورد نظر آنها در دسترس باشد.
- ۴) موسسات و شرکت‌ها نباید در بازه‌ی مورد نظر تغییر سال مالی داشته باشد.
- ۵) هزینه‌های عملیاتی نباید از درآمد فروش بیشتر باشد (اندرسون و همکاران ۲۰۰۳)

چسبندگی هزینه بیشتر و هر چه بزرگتر از صفر باشد هزینه‌ها رفتار ضدچسبندگی دارند. عبارت اول این معادله، در آخرین دوره کاهش فروش و عبارت دوم در آخرین دوره افزایش فروش می‌باشد که این دوره سه ساله در نظر گرفته شده است. یکی از مفروضات اساسی در محاسبه فرمول بالا این است که جهت تغییرات درآمدها و هزینه‌ها حتماً می‌بایست هم راستا باشد و در غیراینصورت این فرمول قابل استفاده نخواهد بود (بنکر، بیزالو، ۲۰۱۴). لازم به ذکر است که تمام متغیرهای درآمد و هزینه در این معادله تورم زدایی (تعدیل با تورم) شده‌اند. داده‌های مربوط به نرخ تورم از سایت بانک مرکزی استخراج شده و برای حذف اثر تورم از فروش و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، هزینه‌ها و فروش هر سال تقسیم بر "یک بعلاوه نرخ تورم همان سال" شده است (ایزدپور و نیکومرام، ۱۳۹۷).

متغیرهای کنترل

تمرکز مالکیت (cen_own): یکی از عوامل مهم در کاهش مسئله نمایندگی و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران نظام راهبری شرکتی مناسب است (بادآورنهدی و همکاران، ۱۳۹۱)، و ساختار مالکیت به عنوان یکی از شاخص‌های نظام راهبری شرکتی وارد مدل شده است. به منظور اندازه‌گیری تمرکز مالکیت از مجموع درصد سهام سه سهامدار عمده شرکت استفاده شده است.

اندازه شرکت (size): شرکت‌های بزرگ‌تر نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر میل بیشتری به هموارسازی دارند چراکه سود یا زیان عملیاتی و انحراف آنها در شرکت‌های بزرگ بیشتر است (شورورزی و پهلوان ۱۳۸۹). همچنین شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک از نظر سیاسی حساس‌تر می‌باشند، از این رو نوسانات مثبت سود موجب افزایش تردید در مورد ایجاد سود از طریق قدرت انحصاری گردد، و علاوه بر این احتمال ایجاد هزینه‌های سیاسی ناخواسته مثل درخواست افزایش حقوق و دستمزد کارکنان، سیاست مهارکننده توسط دولت و ... را افزایش می‌دهد (واتس و زیمرمن^{۱۳} ۱۹۸۶). برای

$$IS_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 sticky_{it} + \gamma_2 cen_own_{it} + \gamma_3 size_{it} + \gamma_4 bm_{it} + \gamma_5 growth_{it} + \Sigma \tau_j ind + \Sigma \theta_j year + \epsilon_{it}$$

هموارسازی سود (IS): برای محاسبه هموارسازی سود مدل‌های متفاوتی وجود دارد که در این پژوهش از مدل لئوز و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۳) یعنی نسبت انحراف معیار غلتان ۵ ساله سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی استفاده شده است. هر چه این نسبت بزرگتر باشد نشان دهنده هموارسازی بیشتر و هرچه کوچکتر باشد نشان از فعالیت‌های کمتر برای هموارکردن سود است. استدلال آنها برای استفاده از این فرمول این بود که امکان دستکاری سود عملیاتی نسبت به جریان نقد عملیاتی بیشتر می‌باشد.

$$IS = \frac{\sigma OP}{\sigma OCF}$$

در این مدل IS نشان‌دهنده هموارسازی سود، σOP نشان‌دهنده انحراف معیار سود عملیاتی و σOCF نشان‌دهنده انحراف معیار جریان نقد عملیاتی می‌باشد.

چسبندگی هزینه: شدت افزایش هزینه‌ها در زمان افزایش فروش بیشتر از شدت کاهش هزینه‌ها در زمان کاهش فروش می‌باشد که به این رفتار هزینه چسبندگی هزینه (رفتار نامتقارن هزینه) می‌گویند. با توجه به فرضیه اول و نیاز به اندازه‌گیری میزان چسبندگی هزینه برای هر سال-شرکت از مدل ویس (۲۰۱۰) استفاده شده است.

$$sticky_{it} = \log \left(\frac{\Delta cost_{it}}{\Delta sale_{it}} \right) d - \log \left(\frac{\Delta cost_{it}}{\Delta sale_{it}} \right) i$$

در این مدل $sticky_{it}$ نشان‌دهنده چسبندگی هزینه در یک سال-شرکت، $\Delta cost_{it}$ نمایش‌دهنده تفاوت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در سال‌های t و $t-1$ ، و $\Delta sale_{it}$ نشان‌دهنده تغییرات فروش شرکت i در سال t و $t-1$ می‌باشد. قابل ذکر است اگر $sticky_{it}$ برابر صفر باشد چسبندگی هزینه وجود ندارد، هرچه کوچکتر از صفر بوده نشان‌دهنده

جاری بدست می‌آید. همچنین برای در نظر گرفتن توالی کاهش دوره‌های فروش به عنوان شاخص بدبینی مدیران از شاخص dec_{dum} استفاده شده است. در واقع مدیران با احتمال بیشتری پس از دو سال متوالی کاهش فروش اقدام به تعدیل منابع می‌کنند. در صورتی که فروش شرکت طی دو سال متوالی کاهش داشته باشد این متغیر مجازی یک و در غیراینصورت صفر می‌باشد. (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴). همچنین به منظور تمایز بین دوره‌های افزایش و کاهش فروش متغیر مجازی (dum) استفاده شده است که اگر سال جاری نسبت به سال گذشته کاهش فروش داشته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌باشد. برای کنترل اثرات سال‌ها و صنایع نیز از متغیر مجازی سال و صنعت استفاده شده است. در مدل فوق در صورتی که β_3 مثبت و معنادار باشد فرضیه دوم تایید می‌شود. انتظار مبنی بر این است که β_2 منفی و معنادار باشد که این به معنای چسبندگی هزینه‌ها است ولی تاثیر متغیر هموار سازی بر چسبندگی هزینه‌ها در صورت موازنه، مثبت و معنادار می‌بایست باشد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

جدول شماره ۱ نشان‌دهنده‌ی آمار توصیفی متغیرهای موجود در مدل اول می‌باشد. بر اساس نتایج بدست آمده و آمار توصیفی متغیرهای مدل اول پژوهش، میانگین هموارسازی برابر ۰,۸۶ و میانه آن نیز کوچکتر از ۱ است که بیان می‌کند در شرکت‌های نمونه به صورت میانگین دستکاری سود کمتری صورت می‌گیرد. مقادیر بدست آمده به صورت تقریبی با پژوهش بولو و القار (۱۳۹۴) همخوانی دارد. دامنه تغییرات چسبندگی هزینه بین ۳,۱۱ و ۳,۱۶ بوده و با توجه به میانه آن که ۰,۰۸ می‌باشد بیان می‌کند حدوداً نیمی از شرکت‌ها دارای هزینه‌هایی با رفتار نامتقارن و نیمی دیگر رفتار متقارنی دارند. میانگین تمرکز مالکیت ۰,۷۱ درصد است و نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌های نمونه مالکیت متمرکز دارند و

اندازه گیری اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار شرکت در پایان سال جاری استفاده شده است.

رشد فروش (Growth): جزء عوامل عملیاتی شرکت است که به طور طبیعی می‌تواند هموارسازی را به دنبال داشته باشد (شوروزی و پهلوان، ۱۳۸۹). رشد فروش از تفاوت فروش سال جاری با سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته به دست می‌آید.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام (bm): این نسبت از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید. یک شاخص برای نشان دادن فرصت‌های رشد شرکت است. مدیران چنین شرکت‌هایی ممکن است از سوی سهامداران تحت فشار بیشتری به منظور تامین سرمایه برای فرصت‌های رشد آینده باشند.

به منظور کنترل اثرات سال‌ها و صنایع نیز از متغیر مجازی سال ($\Sigma\theta_j year$) به تعداد سال‌های پژوهش و متغیر مجازی صنعت ($\Sigma\tau_j ind$) به تعداد صنایع نمونه پژوهش استفاده شده است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۷).

۳-۲- متغیرها و مدل آزمون فرضیه دوم: برای آزمون فرضیه دوم از مدل بسط یافته اندرسون (۲۰۰۳) استفاده شده است. برای بررسی اثر هموارسازی بر چسبندگی هزینه شاخص اندازه‌گیری شده به عنوان هموارسازی به مدل اضافه شده است. مدل پژوهش برای بررسی فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

$$\begin{aligned} \log\left(\frac{Cost_{it}}{Cost_{it-1}}\right) &= \beta_0 + \beta_1 \log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) + \\ &\beta_2 dum * \log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) + \beta_3 dum * \\ &\log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * is_{it} + \beta_4 dum * \\ &\log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * emp_{intensity_{it}} + \beta_5 dum * \\ &\log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * dec_{dum_{it}} + \beta_6 is_{it} + \\ &\beta_7 emp_{intensity_{it}} + \beta_8 dec_{dum_{it}} + \beta_9 \Sigma\tau_j ind + \\ &\beta_{10} \Sigma\theta_j year + e_{it} \end{aligned}$$

در مدل فوق متغیر شدت تعداد کارکنان ($emp_intensity$) از عوامل اقتصادی اثرگذار بر رفتار هزینه است و از نسبت تعداد کارکنان به فروش سال

بوده و نشان از پایین بودن چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها در دوره‌ی مورد مطالعه دارد. در پژوهش آقای و حسنی (۱۳۹۳) لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش دارای میانگین و همچنین لگاریتم فروش ۰,۰۶۸ می‌باشد که تفاوتش با یافته‌های این پژوهش می‌تواند ناشی از تعدیل داده‌ها بر اساس تورم باشد.

سهام‌داران عمده سهم به سزایی از سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند.

جدول ۲ بیانگر آمار توصیفی متغیرهای مدل چسبندگی هزینه (مدل دوم) می‌باشد. در مدل دوم پراکندگی لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ۰,۷۶ و نزدیک به پراکندگی لگاریتم فروش (۰,۷) می‌باشد که نشان می‌دهد تغییرات هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و درآمد فروش نزدیک به هم

جدول ۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل اول

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
هموارسازی	۰,۸۶۳	۰,۶۸۳	۰,۶۲۰	۰,۱۴۹	۲,۳۹۷
چسبندگی هزینه	0.061	۰,۰۸۳	1.525	-3.164	3.116
تمرکز مالکیت	۰,۷۱۲	۰,۷۲۴	۰,۱۶۲	۰	۰,۹۸۹
اندازه شرکت	13.554	۱۳,۵۹۳	1.358	11.097	16.351
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	0.789	0.789	0.232	0.370	1.234
رشد فروش	0.238	۰,۱۸۲	0.350	-0.345	1.185

جدول ۲) آمار توصیفی متغیرهای مدل چسبندگی هزینه

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
$\log\left(\frac{\Delta sga_{it}}{\Delta sga_{it-1}}\right)$	۰,۱۹۱۸	۰,۱۵۲۱	۰,۷۶۱۹	-۵,۴۳۵۴	۴,۸۷۲۵
$\log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right)$	۰,۱۴۵۷	۰,۱۷۱۶	۰,۷۰۶۳	-۴,۶۶۸۳	۴,۶۷۱۹
هموارسازی سود	۰,۸۶۱۱	۰,۷۳۷	۰,۶۱۲۷	۰,۱۴۹۷	۲,۳۹۷۹
شدت کارکنان	۰,۰۰۰۵۹	۰,۰۰۰۴۸	۰,۰۰۰۴۱	۰,۰۰۰۱۱	۰,۰۰۱۵۶
کاهش متوالی فروش	۰,۰۸۲۲	۰	۰,۲۷۴۹	۰	۱
متغیر مجازی کاهش فروش	۰,۳۰۰۱	۰	۰,۴۵۸۶	۰	۱

۴-۲- نتایج آزمون فرضیات

۴-۲-۱- فرضیه اول: به منظور آزمون فرضیات و برآورد مدل‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش برای رفع همزمان خودهمبستگی خطاهای مدل و ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش خطای استاندارد مقاوم استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست در جدول ۳ برای آزمون فرضیه اول، آماره فیشر نیز در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد، بنابراین مدل رگرسیون معنادار می‌باشد. همچنین ضریب چسبندگی هزینه ۰,۰۶- بوده در سطح

اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد که بیان‌کننده رابطه منفی چسبندگی هزینه و هموارسازی سود است، در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. این نتیجه منطبق با پژوهش هرتلیب و لوی (۲۰۱۷) می‌باشد. همچنین نتایج بیانگر رابطه منفی تمرکز مالکیت با هموارسازی سود می‌باشد که بر اساس پیش‌بینی پژوهش است. اندازه شرکت و هموارسازی دارای رابطه منفی و معناداری هستند که همسو با نتایج بادآور نهندی و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد. نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت نیز دارای رابطه منفی و معنادار با هموارسازی سود بوده که بر خلاف نتایج بولو

از نظر آماره فیشر و همچنین عدم وجود مشکل همخطی بین متغیرهای پژوهش از نظر آماره عامل تورم واریانس می‌باشد. بر اساس ضرایب، رابطه متغیر تعاملی هموارسازی سود با کاهش فروش و لگاریتم تغییرات فروش مثبت و معنادار می‌باشد. در نتیجه فرضیه دوم نیز رد نمی‌شود و این نتایج هم راستا با فرضیه اول پژوهش می‌باشد. این نتیجه مطابق نتیجه کاما و ویس (۲۰۱۲) و هرلیب و لوی (۲۰۱۷) می‌باشد.

و القار (۱۳۹۴) و یحیی زاده فر و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد. همچنین رابطه معناداری بین رشد فروش و هموارسازی سود یافت نشد در حالی که پژوهش بولو و القار (۱۳۹۴) مبین رابطه مثبت بین دو متغیر است. آماره عامل تورم واریانس در جدول فوق نشان دهنده عدم وجود مشکل همخطی بین متغیرهای توضیحی پژوهش است.

۴-۲-۲- فرضیه دوم: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۴ نشان دهنده معناداری کلی مدل

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	رابطه‌ی مورد انتظار	ضریب	آماره t	VIF
چسبندگی هزینه	-	-۰,۰۶۳**	-2.750705	1.07۶
تمرکز مالکیت	-	-0.629**	-3.006584	1.061
اندازه شرکت	+	-0.08**	-2.809974	1.327
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	+	-0.408*	-2.260717	1.334
رشد فروش	+	0.035	0.307854	1.223
عرض از مبدا		1.772**	-2.750705	
متغیر مجازی سال و صنعت		کنترل شد		
ضریب تعیین		۰,۱۵۱		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۱۰۱		
آماره فیشر		۳,۰۰۵**		

** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ و * در سطح اطمینان ۹۵٪

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	رابطه‌ی مورد انتظار	ضریب	آماره t	VIF
$\log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right)$	+	0.719**	12.904	2.545
$dum * \log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right)$	-	-0.089	-0.690	6.01
$dum * \log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * is_{it}$	+	0.178*	2.082	4.160
$dum * \log\left(\frac{\Delta sale_{it}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * dec_{dum, it}$	+	-0.601**	-2.472	1.918
$dum * \log\left(\frac{\Delta sale_{it,t}}{\Delta sale_{it-1}}\right) * emp_{intensity, it}$	-	-38.316	-0.351	3.427
$emp_{intensity, it}$		-28.40	-0.955	1.870
is_{it}		0.061**	2.414	1.209
dec_{dum}		-0.063	-0.582	۱,۵۰۷
عرض از مبدا		0.050	0.990	
متغیر مجازی سال و صنعت		کنترل شد		
ضریب تعیین		0.607		
ضریب تعیین تعدیل شده		0.595		
آماره F فیشر		51.86**		

** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ و * در سطح اطمینان ۹۵٪

۵- نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش رابطه رفتار نامتقارن هزینه‌ها و هموارسازی سود از دیدگاه مدیران و اولویت آنان در دستکاری سود و یا حفظ و نگهداری و تعدیل منابع بلااستفاده مورد بحث قرار گرفت. هدف این پژوهش شناخت بیشتر چگونگی عملکرد مدیران در رابطه با حفظ و نگهداری و یا تعدیل منابع بلااستفاده در زمان کاهش فروش که به صورت مستقیم پیامدهای درون سازمانی دارد و گزارشگری سود که بیشتر مورد توجه استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی قرار می‌گیرد و همچنین تعیین نوع ارتباط دو متغیر مورد بحث بوده است.

بر اساس فرضیه اول چسبندگی هزینه فعالیت‌های هموارسازی سود را محدود می‌کند و بر اساس فرضیه دوم پژوهش رابطه هموارسازی سود و چسبندگی هزینه منفی می‌باشد. بر اساس نتیجه بدست آمده و ارائه شده در پژوهش، هر دو فرضیه تایید شده است که نشان‌دهنده ارتباط منفی و دوسویه چسبندگی هزینه و هموارسازی سود می‌باشد. در واقع نتایج بیانگر رابطه معکوس چسبندگی هزینه و هموارسازی سود است. نتیجه این پژوهش هم پیرو پژوهش‌های گذشته (حیدری و همکاران ۱۳۹۴، منصورفر و همکاران ۱۳۹۶، موسس ۱۹۸۷، کاما و وایس ۲۰۱۳) بوده و نشان می‌دهد که یکی از مهمترین دلایل ایجاد چسبندگی هزینه و همچنین هموارسازی سود انگیزه‌های اساسی مدیران است. بر اساس نظریه تصمیم آگاهانه مدیران با توجه به دلایل اقتصادی و افزایش سودآوری آتی منابع بلااستفاده را حفظ یا تعدیل می‌کنند، از طرفی افزایش چسبندگی هزینه باعث کاهش سود دوره جاری می‌شود، همچنین افزایش چسبندگی هزینه باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به سود شرکت می‌شود و نیز مدیریت سود با انگیزه رسیدن به سود هدف کاهش چسبندگی هزینه را به دنبال دارد. این نتایج متناقض بیان می‌کند رابطه‌ی بین رفتار نامتقارن هزینه و هموارسازی سود بستگی به انگیزه‌های مدیران دارد که برای پروژه‌هایی که منجر به رفتار نامتقارن هزینه خواهد شد و یا

انتخاب یک مسیر هموار برای گزارش سود، کدام یک را انتخاب می‌کند. در واقع نتایج بدست آمده گویای این است که نتایج رفتار مدیران برای حفظ یا تعدیل منابع و همچنین گزارشگری سود در تضاد با یکدیگر می‌باشند و در نتیجه مدیران باید پیامدهای اقتصادی تصمیمات هزینه‌بر و هموارسازی سود را مدنظر قرار داده و در نهایت تصمیم مناسب را اتخاذ کنند. در کل این پژوهش تقابل رویکرد فرصت طلبانه در برابر کارا درباره رفتار مدیران در تصمیم‌گیری در شرکت می‌باشد.

با توجه به نتیجه پژوهش که حاکی از اثرپذیری واثرگذاری رفتار چسبنده هزینه نسبت به هموارسازی سود است به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود رابطه منطقی بین منابع بنگاه و سودهای گزارش شده برقرار کرده و با توجه به آن منابع را تعدیل کرده که مانع افزایش نوسان سود و کاهش ارزش شرکت گردد، همچنین در پیش‌بینی سودهای آتی و تحقق آن رفتار هزینه‌ها را در نظر بگیرند تا در صورت کاهش فروش، سودهای پیش‌بینی شده با کمترین تورش تحقق یابد. علاوه بر این مدیران می‌توانند با استفاده از منابعی با ساختار انعطاف‌پذیر و مناسب کارایی را افزایش و هزینه‌های تعدیل منابع را به حداقل کاهش دهند (حاجی‌پور و مرادی ۱۳۸۹). علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل مناسب‌تر صورتهای مالی از جمله رقم سود به عنوان محصول نهایی گزارشگری مالی برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی کاربرد دارد و همچنین می‌تواند در تصمیم‌گیری مناسب‌تر در حوزه حسابداری بهای تمام شده و گزارشگری مالی به کمک مدیران بیاید.

بر اساس مبانی نظری مسئله نمایندگی عاملی تاثیرگذار بر روی هر دو متغیر اصلی پژوهش می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود رابطه چسبندگی هزینه با هموارسازی سود با متغیر میانجی هزینه‌های نمایندگی بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود به تفکیک رابطه شرکت‌هایی با رفتار چسبنده هزینه‌ها و رفتار ضدچسبنده بر روی هموارسازی سود بررسی

فصلنامه مطالعات مدیریت و تحول، شماره ۶۹، ص ۱۴۳-۱۶۲.

* حیدری، مهدی، دیدار، حمزه، قادری، بهمن و شبیم خالق پرست اطهری. (۱۳۹۴). بررسی رفتار نامتقارن هزینه‌ها از دیدگاه نظریه نمایندگی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری، دانش حسابداری مالی، شماره ۳، ص ۱۲۳-۱۴۴.

* شورورزی، محمدرضا و رحیم پهلوان. (۱۳۸۹). تاثیر اندازه شرکت بر هموارسازی سود، آینده پژوهش مدیریت، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۶۹-۸۰.

* مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا و مهتاب جهرمی. ۱۳۹۴. "تئوری حسابداری (جلد دوم)". تهران، انتشارات نگاه دانش

* مرتضوی نصیری، محبوبه سادات، نیکومرام، هاشم و بهمن بنی مهد. (۱۳۹۷). رفتار نامتقارن هزینه: مروری بر متون و روش‌شناسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت 50-29, (28), 7

* منصورفر، غلامرضا، حیدری، مهدی و طاهره کولایی. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مدیریت واقعی سود و انگیزه‌های مدیریت بر چسبندگی هزینه‌ها، مدیریت دارایی و تامین مالی، ص ۱-۱۶.

* نمازی محمد و ایرج دوانی پور. (۱۳۸۹). بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی. سال ۱۷، شماره ۶۲، ص ۸۵-۱۰۲.

* Anderson, MC. Banker, R. Janakiranam, S. (2003). Are Selling, General and Administrative Costs Sticky. Journal of Accounting Research, 41(1): 47- 63.

* Anderson, MC. Banker, R. Huang, R. Janakiranam, S. (2007). Cost Behavior and Fundamental Analysis of SG&A Costs. Journal of Accounting, Auditing & Finance, 22(1): 1- 28.

* Banker, R. D., Ciftci, M., & Mashruwala, R. (2008). Managerial Optimism, Prior Period Sales Changes, and Sticky Cost Behavior. Working Paper. Temple University.

* Banker, R. D., & Byzalov, D. (2014). Asymmetric cost behavior. Journal of Management Accounting Research, 26(2), 43-79. ۲۱۰

* Chen, C. X., Lu, H., and T. Sougiannis. (2008). Managerial Empire Building,

گردد. علاوه بر این رابطه هموارسازی اطلاعاتی و تحریفی با چسبندگی هزینه نیز قابل بررسی است.

فهرست منابع

* آقایی، محمدعلی و حسن حسنی. (۱۳۹۳).

بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران و متغیرهای حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۰۹-۱۲۸.

* ایزدپور، مصطفی و هاشم نیکومرام. (۱۳۹۷). تبیین رفتار نامتقارن هزینه‌ها بر اساس هم‌زمانی چرخه‌های سیاسی و تجاری، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۷، ص ۲۳۱-۲۴۶.

* بادآور نهندی، یونس؛ محمودزاده باغبانی، سعید و امین بلوری. (۱۳۹۱). ارتباط ساختار سرمایه و مالکیت با تصمیمات هموارسازی سود (تحلیل خطی و لوجیت. مجله پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی « زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۱۶ (29)صفحه - از ۱۸۵ تا ۲۱۳.

* بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی و شیوا حسن پور. (۱۳۹۷). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری (چاپ دوم). تهران، انتشارات ترمه.

* بولو، قاسم؛ و مسعود حسنی القار. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری. شماره ۲۱ (۲۴): ص ۳۱-۵۴.

* ثقفی، علی و وحید محمدرضاخانی. (۱۳۹۴). هموارسازی سود، مروری جامع بر مفاهیم با تاکید بر مفاهیم داخلی و خارجی. مجله پژوهش حسابداری، شماره ۱۷، ص ۱۱۱-۱۲۸.

* حاجی‌پور، بهمن و محسن مرادی. (۱۳۸۹). انعطاف‌پذیری سازمانی و عملکرد، مطالعه موردی شرکت‌های تولیدی ناحیه‌ی صنعتی اراک.

- * Yasu kata, K., &Kajiwara, T. (2011). Are "Sticky Costs" the Result of Deliberate Decision of Managers? . availableat:<http://ssrn.com>

Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs, SSRN Electronic Journal · October 2008, DOI: 10.2139/ssrn.1014088

- * Chen, C. X., Lu, H., and T. Sougiannis (2012). The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs, Contemporary Accounting research, 29 (1): 252–282
- * Chen, C. X., Gores, T., Nasev, J. (2013). Managerial Overconfidence and Cost Stickiness. Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2208622>.
- * Dierynck, B., Landsman, W.R. and Renders, A. (2012). Do Managerial Incentives Drive Cost Behavior? Evidence about the Role of the Zero Earnings Benchmark for Labor Cost Behavior in Private Belgian Firms. A Journal of the American Accounting Association, 87 (4): 1219-1246.
- * Defond M. L., Park C. W. (1997). Smoothing Income in Anticipation of Future Earnings. Journal of Accounting and Economics; 23: 115-139.
- * Hartlieb S, R.Loy T. (2011). Evidence on the Tradeoff between Cost Stickiness and Income Smoothing. Online: <http://www.ssrn.com>.
- * Jensen, C. (1986). Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers. American Economic Review, 76: 323-339.
- * Kama, I., and D. Weiss. (2013). Do Earnings Targets and Managerial Incentives Affect Sticky Costs?. Journal of Accounting Research 51(1): 201-224.
- * Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P. (2003). Earning management and investor protection: an international comparison. Journal of Financial Economics, 69, 505-527 .
- * Li, Y.H. (2018) Earnings Management Motivation and Cost Stickiness—Research Based on Private Equity Placement. American Journal of Industrial and Business Management, 8, 597-606.
- * Moses, o. douglas. (1987). Income smoothing and incentive: empirical tests using accounting changes, the accounting review, vol 62, no 2, 358-377.
- * Watts, r, and j. Zimmerman. (1986). Positive accounting theory. New jerky: prentice hall)
- * Weiss, d. (2010). Cost behavior and analysis earning forecasts, the accounting review, vol 85, no 4, page 1441-1471.

یادداشت‌ها

- ¹- Anderson et al.
²- Yasu kata &Kajiwara
³- Jensen
⁴- Chen et al.
⁵- Hartlieb & Loy
⁶- Kama & Weiss
⁷- Chen et al.
⁸- Weiss
⁹- Defond & Park
¹⁰- Banker & Byzalov
¹¹- Dierynck et al.
¹²- Leuz et al.
¹³- Watts & Zimmerman.